

رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی و سنتره جاتکه؛ براساس مؤلفه‌های فعلی

راضیه موسوی‌خو*

زهره زرشناس**، آتوسا رستم‌بیک نفرشی***

چکیده

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که به سه گروه مانوی، بودایی، و مسیحی تقسیم می‌شود. در این پژوهش، به بررسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی و سنتره جاتکه پرداخته شده است. سنتره جاتکه طولانی‌ترین متن بازمانده سغدی است و از دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و به نظر می‌رسد که بیش‌تر تألیفی بومی یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال این‌که ترجمه باشد کم‌تر است. تاکنون پژوهشی در باب رده‌شناسی زبان سغدی بودایی صورت نگرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها به روش کتاب‌خانه‌ای و انتخاب متن به شیوه هدف‌مند بوده است. تمام بندهای در دسترس از متن و سنتره جاتکه به شیوه کمی و کیفی تحلیل شده‌اند. چهارچوب تحلیل مؤلفه‌های تحلیل آرایش سازه معرفی شده در آثار دبیرمقدم و درایر است. از میان مجموع ۲۸ مؤلفه معرفی شده در این آثار، سیزده مؤلفه وابسته به فعل بررسی شده‌اند. متن و سنتره جاتکه شامل چهل فصل (برگ) به سغدی بودایی بوده است که تنها

* دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Humamusavi66@gmail.com

** استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
Zzarshenas@gmail.com

*** استادیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
atoosa.rostambeik@gmail.com تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

۲۹ فصل (برگ) آن به دست ما رسیده است و شامل ۱۸۰۵ بند می‌شود. ۱۸۰۵ بند بازمانده در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: کارآمدی مؤلفه‌های درایر در متون سغدی بودایی چگونه است؟ ترتیب عناصر و آرایش سازه‌های وابسته به فعل در متون سغدی بودایی به چه صورت است؟ این زبان، باتوجه به بررسی مؤلفه‌های فعلی، متعلق به گروه زبان‌های OV است یا VO؟ هیچ زبانی به صورت صددرصد OV یا VO نیست و نتایج نشان می‌دهد که زبان سغدی بودایی هم از این قائنده مستثنا نیست. این متن، براساس بررسی مؤلفه‌های وابسته به فعل، خصوصیات زبان OV را دارد. به لحاظ رده‌شناسی متن *وستتره جاتکه* گرایش به چپ‌انواعی بودن دارد و هسته پایانی است.

کلیدواژه‌ها: زبان سغدی بودایی، رده‌شناسی، ترتیب واژه، *وستتره جاتکه*، فعل.

۱. مقدمه

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که در سغدیانان (Soghdiana)، منطقه‌ای در امتداد زرافشان و کشکهدریا (بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروز)، رواج داشته است. این زبان از گروه شرقی و شاخه ایرانی خانواده زبان‌های هند و اروپایی است. تاریخ نگارش آثار بازمانده از سغدی به سده دوم تا دهم میلادی بازمی‌گردد که شامل سکه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، و دست‌نوشته‌ها می‌شود. از سغدی باستان هیچ اثری باقی نمانده است و شروو (SKjaervø) تنها خط به کاررفته در تعدادی نامه باستانی کشف‌شده در دیوار بزرگ چین و نیز صخره‌نوشته‌های شمال پاکستان را خط آرامی سغدی باستان می‌داند (زرشناس ۱۳۹۰: ۱۹). بقیه آثار بازمانده به دوره میانه آن تعلق دارد. اکنون، از زبان سغدی، زبان یغناپی (Yaghnobi) بازمانده است که یکی از گویش‌های زبان سغدی است و گاهی سغدی جدید نامیده می‌شود. آثار سغدی به سه گروه مانوی، بودایی، و مسیحی تقسیم می‌شوند، چراکه رواج آیین‌های بودایی، مسیحی، و مانوی در میان سغدی‌زبانان ترکستان شرقی موجب ترجمه متون مذهبی از چینی، سنسکریت، سریانی، و فارسی میانه به سغدی شد. با وجود این، تفاوت‌های زبان‌شناختی میان این سه خط بسیار اندک و ناچیزند. زبان سغدی تا قرن هفتم هجری نقش زبان میانجی را در امتداد جاده ابریشم و میان چین و غرب برعهده داشت، چراکه بازرگانان سغدی نقش فعالی را در بازرگانی و دادوستد آن دوره ایفا می‌کردند (همان: ۱۳). روزگاری این زبان مهم‌ترین زبان آسیای میانه به‌شمار می‌رفت و حتی دامنه نفوذ آن تا چین گسترده بوده است، ولی به تدریج و با گسترش زبان

فارسی، که حمایت دولت ساسانی را به‌هم‌راه داشت، و نیز رواج ترکی، که محصول هجوم قبیله‌های ترک‌زبان به آسیای میانه بود، نفوذ و کارآیی خود را از دست داد. درنهایت، با حمله اعراب به ایران و سلطه آمراں فارسی‌زبان در خراسان و ماوراءالنهر و رواج زبان فارسی، به‌صورت زبان محلی درآمد تا آن‌که در حدود اواخر قرن دهم به‌کلی فراموش شد. آثار مکتوب سغدی به دو گروه دینی و غیردینی تقسیم می‌شوند. بیش‌تر آثاری که در طول جاده ابریشم، به‌ویژه از ناحیه تورفان (Turfan) و یکی از غارهای «هزاربودا» در دون هوانگ (Dunhuang)، به‌دست آمده‌اند، متن‌های دینی‌اند که تاریخ نوشتن آن‌ها به سده‌های هفتم تا دهم میلادی بازمی‌گردد (همان: ۱۴). متون سغدی بودایی، که بزرگ‌ترین مجموعه متن‌های سغدی‌اند، بیش‌تر از اصل چینی به سغدی ترجمه شده‌اند و دربردارنده متن‌های کامل یا تکه‌تکه بودایی‌اند. مانند سوتره‌ها (Sūtra)، جاتکه‌ها (Jātaka)، و متن‌های پرچنا پارمیتا (Prajñāpāramitā). وستتره جاتکه (Vessantra Jātaka) (قریب ۱۳۷۱)، سوتره چم (Sūtra čam)، و یادافره کردار (Pādafrāh Kerdār) (Mackenzie 1970) مهم‌ترین آثار سغدی بودایی‌اند. آثار موجود سغدی بودایی در مجموعه‌های آثار سغدی بودایی به‌چاپ رسیده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به متن‌های سغدی محفوظ در کتاب‌خانه ملی پاریس (Benveniste 1946) و متن‌های سغدی کتاب‌خانه بریتانیا (زرشناس ۱۳۸۰) اشاره کرد. در مجموعه متن‌های کتاب‌خانه ملی پاریس، چند متن غیردینی هم‌چون *طلسم باران* (قریب ۱۳۴۸: ۱۲-۲۴) و بخشی از داستان رستم (قریب ۱۳۵۷: ۲۴-۵۳) نیز دیده می‌شود (زرشناس ۱۳۹۰: ۱۵).

وستتره جاتکه متنی است به زبان سغدی که به خط بودایی نوشته شده است. بدرالزمان قریب (۱۳۷۱) این متن را در کتاب *داستان تولد بودا به روایت سغدی* ترجمه و حرف‌نویسی کرده است. هم‌چنین، برخی نکات صرفی و دستوری آن را نیز بیان کرده است. پیش‌ازاین، بنونیست (Benveniste 1940) کتابی با نام *وستتره جاتکه* به زبان فرانسه نوشت که شامل ترجمه و برخی نکات صرفی و دستوری آن می‌شود. وستتره جاتکه طولانی‌ترین متن بازمانده سغدی است و از دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و به‌نظر می‌رسد که بیش‌تر تألیفی بومی یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال این‌که ترجمه باشد کم‌تر است.

در این پژوهش تلاش می‌شود که بین بررسی‌های حیطة مطالعات زبان‌های باستانی و رویکردهای تحلیلی در زبان‌شناسی پیوند برقرار شود. یکی از رویکردهای موردتوجه در زبان‌شناسی، به‌ویژه در مطالعات تاریخی، رده‌شناسی (typology) است که در پژوهش

حاضر نیز به‌عنوان رویکرد تحلیل انتخاب شده است. به این منظور، متن سغدی بودایی وستتره جاتکه از منظر رده‌شناسی آرایش سازه (word order) (Dryer 1992؛ دبیرمقدم ۱۳۹۲) و با تمرکز بر فعل بررسی خواهد شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: ۱. مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب سازه، در بررسی رده‌شناختی متون سغدی بودایی، تا چه اندازه کارآمدند؟ ۲. براساس ترتیب عناصر و آرایش سازه‌های وابسته به فعل در متون سغدی بودایی، این زبان از زبان‌های فعل‌آغازی است یا فعل‌پایانی؟

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی در دو حیطه رده‌شناسی و زبان‌های باستانی نشان می‌دهد که در این حیطه، یعنی تلفیق مطالعات زبان‌های باستانی و رده‌شناسی آرایش سازه‌ها، تعداد پژوهش‌ها بسیار اندک است. البته، پژوهش‌های قابل‌توجهی درباره ساخت کنایی (ergative construction) در زبان‌های دوره باستان و میانه انجام شده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۹۷-۲۱۵) به شرح نظریه‌های مربوط به ساخت کنایی در زبان‌های ایرانی پرداخته است و نظریه و آثار پژوهش‌گران خارجی این حیطه را شرح داده است؛ از آن جمله می‌توان به این افراد اشاره کرد: گایگر (Geiger 1893)، کاردونا (Cardona 1970)، و بنونیست (Benveniste 1971) که به بررسی ساخت کنایی در زبان‌های ایرانی پرداختند (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۴۸)؛ پین (Payne 1979) در بخشی از مقاله خود با عنوان «لازم و متعدی در زبان‌های ایرانی اتحاد جماهیر شوروی»، به بررسی ساخت کنایی در فارسی باستان می‌پردازد و از زبان یغنایی، که از زبان‌های ایرانی جدید و بازمانده یکی از گویش‌های زبان سغدی است و گاهی سغدی جدید نامیده می‌شود، در مقاله‌اش شواهدی آورده است که ممکن است در این بررسی سودمند باشد؛ نودا (Noda 1983) در مقاله‌ای به بررسی ساخت کنایی در فارسی میانه پرداخته است؛ شروو (SKjaervø 1985) و هیگ (Haig 2008) به بررسی ساخت کنایی در زبان‌های ایرانی پرداختند که از مباحث مهم رده‌شناسی محسوب می‌شود (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۹۷-۲۱۵)؛ یوگل (Jügel 2012) نیز به بررسی ساخت کنایی در زبان‌های ایرانی باستان و میانه پرداخته است.

ساخت کنایی را نیز پژوهش‌گران ایرانی در دوره‌های زمانی مختلف بررسی کرده‌اند که در ادامه صرفاً به برخی از این موارد اشاره می‌شود. تفضلی (۱۹۸۶) در مقاله‌ای کوتاه اما عالمانه به بررسی ساخت کنایی در زبان پهلوی و یک زبان ایرانی دیگر می‌پردازد؛ کلباسی

(۱۳۶۷) به بررسی ارگاتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی پرداخته است؛ حاجیانی (۱۳۸۸) در پژوهشی تاریخی - تطبیقی ساخت فعل ارگاتیو در گویش‌های جنوب غربی ایران شامل اردکانی، دشتی، دشتکی، کلیمیان یزد، و لاری را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که ارگاتیو در زبان فارسی باستان، که زبانی کاملاً صرفی است، به صورت کم‌رنگ نمود داشته، اما در زبان فارسی میانه، که دنباله فارسی باستان است و در آن حالات هشت‌گانه صرفی از بین رفته، نقشی برجسته و آشکار ایفا می‌کند؛ کریمی و هاشمی (۱۳۹۱) به توصیف و بررسی ساخت کنایی در گویش دشتی پرداخته‌اند و با این هدف، رفتار فاعل بندهای لازم و متعدی و مفعول در زمان حال و گذشته در این گویش را تحلیل و نتیجه‌گیری کرده‌اند که این گویش از الگوی کنایی گسسته بهره می‌برد، یعنی بندهای زمان حال از الگوی فاعلی - مفعولی و بندهای زمان گذشته از الگوی کنایی تبعیت می‌کنند؛ کریمی (۱۳۹۱) به بررسی مطابقت در نظام کنایی زبان‌های ایرانی بر پایه نظریه کمینه‌گرا پرداخته است؛ تفکری رضایی و امیدی (۱۳۹۳) پس‌وندهای فعلی در گویش لکی را با توجه به ساخت ارگاتیو تحلیل و بررسی کرده‌اند.

در زمینه بررسی ترتیب سازه در زبان‌های باستانی نیز پژوهش‌هایی گزارش شده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۴۸) به پژوهش فردریک (Friedrich 1975) اشاره کرده است. وی در اثر خود با عنوان «نحو هند و اروپایی آغازین: ترتیب عناصر معنی‌دار» به ترتیب واژه‌ها در هند و اروپایی آغازین پرداخته است و به زبان‌های یونانی هومری، ارمنی باستان، فارسی باستان، اوستایی، ایتالیک، سلتی، و اسلاوی آغازین استناد کرده است. هیل (Hale 1988) ترتیب واژه را در فارسی باستان کاویده و به این نکته اشاره کرده است که در بسیاری از جملات پیکره متون اوستایی و ریگ‌ود/ عبارات فعلی به گونه‌ای‌اند که فعل در انتهای عبارت فعلی قرار می‌گیرد و فاعلی که حالت فاعلی دارد، پیش از این فعل قرار می‌گیرد. بوبنیک (Bubenik 1989) ساخت کنایی گسسته (split ergativity) را در زبان‌های هند و ایرانی بررسی کرده است. دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam 2006) معتقد است که بررسی در زمانی فارسی باستان، به لحاظ ساخت‌واژی، گویای آن است که فارسی باستان و میانه زبان‌هایی تحلیلی بوده‌اند و فارسی نو در نتیجه ثابت‌کردن برخی از پارامترهای قابل‌انعطاف به لحاظ نحوی تابع پیکربندی نسبتاً ثابتی شده است. هم‌چنین، به نتایج بررسی فارسی اشاره کرده است که نشان می‌دهد: الف. باین که نمونه‌های زیادی وجود دارند که تابع ترتیب مضاف‌الیه + مضاف‌اند، ترتیب مضاف + مضاف‌الیه نیز مجاز بوده

است (Kent 1950: section 250, 80; *ibid.*: section 309, 95)؛ ب. ترتیب واژه در جمله فارسی باستان تقریباً آزاد است، ولی ترتیب بی‌نشان و معمول هم در بند پایه و هم در بند پیرو فاعل - مفعول - فعل است. درعین حال، بندهای پیرو ممکن است پیش یا پس از بند اصلی قرار بگیرند (*ibid.*: section 310, 96). داده‌های فارسی میانه این ویژگی‌ها را نشان می‌دهند: الف. هم ترتیب اسم + صفت و هم صفت + اسم مشاهده شده است (Heston 1976: 3)؛ ب. هم مضاف + مضاف‌الیه و هم مضاف‌الیه + مضاف دیده می‌شود (*ibid.*: 21, 22)؛ ج. متداول‌ترین ترتیب واژه به‌گونه‌ای است که فعل در جملات متعدی و لازم در پایان قرار می‌گیرد، هرچند ترتیب‌های متفاوت دیگری هم دیده می‌شوند (Bruner 1977: 180). براساس این مشاهدات دبیرمقدم (Dabir-Moghaddam 2006) معتقد است که فارسی باستان، که زبانی تصریفی در نظر گرفته می‌شود، به‌نظر می‌رسد اساساً زبانی با ترتیب واژه آزاد است. فارسی میانه نیز از این نظر مانند فارسی باستان است، با این تفاوت که زبانی تحلیلی به‌شمار می‌رود. در حیطه رده‌شناسی و بررسی ترتیب سازه، پژوهش‌های گوناگونی درباره زبان‌ها و گویش‌های ایرانی انجام شده است. ثمره (۱۳۶۹) در مقاله‌ای، با عنوان «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی»، به بررسی رده‌شناختی زبان فارسی پرداخته است. یوسفیان (۱۳۸۳)، در رساله دکتری خود، به توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی پرداخت. دبیرمقدم هم چنین در کتاب *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* به بررسی رده‌شناسی زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی مانند بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، و... پرداخته است. در فصل دوم این کتاب، به بررسی رده‌شناختی زبان‌های فارسی باستان، اوستایی، و فارسی میانه اشاره شده است (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۳۰-۱۶۵). در سال‌های اخیر مقالات متعددی درباره آرایش سازه‌ها یا ترتیب واژه در گویش‌های مختلف ایرانی نوشته شده است که می‌توان به این نمونه اشاره کرد: رضایی و خیرخواه (۱۳۹۴) «رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمدی»، صفایی اصل (۱۳۹۴) «رده‌شناسی ترتیب واژه در زبان آذربایجانی»، و حامدی شیروان، شریفی، و الیاسی (۱۳۹۵) «آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی». هدایت (۱۳۹۵) نیز به بررسی مؤلفه‌های توالی واژه و هم‌بستگی آن‌ها با توالی مفعول/فعل در گویش تاتی گیفان، براساس دیدگاه رده‌شناختی درایر، پرداخته و نتیجه گرفته است که هم‌بستگی توالی‌ها و ترتیب مفعول و فعل براساس دیدگاه‌های درایر به‌سادگی تبیین‌شدنی نیست.

درعین حال، در زمینه دستور زبان سغدی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. قادری (۱۳۷۵) جملات ناهم‌پایه در زبان سغدی را مورد بررسی قرار داده است. خبازی (۱۳۸۸)

تأثیر متقابل زبان سغدی و ترکی بر یک‌دیگر را در یک سند ترکی - سغدی بررسی کرده است. الهی (۱۳۸۹) نیز کاربرد پس‌وندها در زبان سغدی را با زبان یغناپی مقایسه کرده است. هم‌چنین، جلالیان چالستری (۱۳۹۴) دو فعل غیرشخصی در زبان سغدی (rēž- و -nam) را بررسی کرده و در سال ۱۳۹۵ نیز به بررسی فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی پرداخته است.

در زمینه بررسی رده‌شناختی زبان سغدی تنها یک اثر وجود دارد که رساله دکتری صابونچی (۱۳۹۸) است. وی در رساله خود به بررسی آرایش سازه‌های چند متن به زبان سغدی مانوی پرداخته است. به این ترتیب، بررسی پیشینه حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی در زمینه رده‌شناختی متون سغدی بودایی انجام نشده است و این پژوهش نخستین بررسی در این زمینه به‌شمار می‌آید. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق در پیوند مطالعات متون کهن با رویکردهای جدید زبان‌شناسی است که می‌تواند ابعاد تازه‌ای از متون کهن را برای ما روشن کند و چنین مطالعاتی را از انزوای خارج کند. این‌گونه پژوهش‌ها باعث به‌وجود آمدن پیوند میان رشته‌های زبان‌های باستانی و زبان‌شناسی خواهند شد. پیوندی که خلاً آن به‌شدت احساس می‌شود، چراکه بیش‌تر مطالعات و تحقیقات زبان‌های باستانی دربرگیرنده توصیف، ترجمه، ریشه‌شناسی، و بررسی متون بازمانده کهن است، اما در زمینه زبان‌شناسی، رده‌شناسی، و رویکردهای آن کم‌تر پژوهش انجام گرفته است.

۳. روش پژوهش و مبانی نظری

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش به‌شیوه کتاب‌خانه‌ای انجام گرفته است؛ بدین ترتیب که متن و ستره جاتکه به‌طور کامل و باتوجه‌به چهارچوب نظری پژوهش‌های رده‌شناسی و مؤلفه‌های هسته‌محور درایر و دبیرمقدم، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای بررسی و شناخت واژگان متن، کتاب‌های فرهنگ سغدی (قریب: ۱۳۷۴)، *Vesantara Jataka* (Benveniste 1946)، و دست‌نامه سغدی (زرشناس: ۱۳۹۰) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌ها نیز به مقاله درایر (Dryer 1992) و کتاب *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی دبیرمقدم* (۱۳۹۲) استناد و تکیه شده است. برای تحلیل آرایش واژگان، از میان ۲۴ مؤلفه‌ای که دبیرمقدم در کتاب *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* آورده و هم‌چنین چهار مؤلفه دیگر که درایر (Dryer 1992)

در مقاله «The Greenbergian Word Order Correlations» ارائه داده است، مؤلفه‌های مربوط به فعل بررسی شده‌اند. مؤلفه‌های موردبررسی به این شرح‌اند: ۱. توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای؛ ۲. توالی فعل و قید حالت؛ ۳. توالی فعل اسنادی و گزاره/مسند؛ ۴. توالی فعل خواستن و فعل بند پیرو؛ ۵. توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود؛ ۶. توالی فعل و فاعل؛ ۷. توالی وند زمان و ستاک فعل؛ ۸. توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم توانستن؛ ۹. توالی مفعول و فعل؛ ۱۰. توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعلی؛ ۱۱. توالی ادات نفی و فعل؛ ۱۲. توالی فعل کمکی منفی و فعل؛ ۱۳. توالی ادات زمان-نمود با فعل.

رده‌شناسی شاخه‌ای علمی است که به‌دسته‌بندی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد. این شاخه مطالعاتی با عنوان رده‌شناسی زبان و رده‌شناسی زبان‌شناختی شناخته می‌شود که به‌اختصار به آن رده‌شناسی می‌گویند. کامری (Comrie)، زبان‌شناس برجسته، که یکی از مطرح‌ترین چهره‌های حوزه رده‌شناسی است، این شاخه از زبان‌شناسی را چنین تعریف می‌کند: «رده‌شناسی زبان را می‌توان مطالعه نظام‌مند بین زبان‌ها تعریف کرد. این تعریف این پیش‌انگاره را در خود دارد که برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها حاکم‌اند و من نیز به چنین انگاره‌ای قائلم» (Comrie 2001: 25). زمان پیدایش این علم به ۲۵۰ سال پیش بازمی‌گردد و نخستین کسی که اصطلاح رده‌شناسی (typologie) را برای آن به‌کار برد، گابلتس (Gabelentz 1809/ 1901)، دانشمند آلمانی مکتب نودستوریان بود و از سال ۱۹۲۸، این واژه در زبان‌شناسی مصطلح شد و رواج گسترده یافت. می‌توان جوزف گرینبرگ (Joseph Greenberg) را پدر رده‌شناسی نوین نامید. او دو رویکرد برای مطالعات رده‌شناختی قائل شد که عبارت‌اند از رویکرد فردیت‌گرا (Individualizing) و رویکرد تعمیم‌گرا (Generalizing) (Greenberg 1974: 28). رویکرد فردیت‌گرا به وجود یک هویت، خصلت، و وحدت انحصاری و یگانه در زبان یا در گروهی از زبان‌ها یا در یک خانواده زبانی قائل است. در رویکرد عمومیت‌گرا، که نقطه مقابل فردیت‌گراست، دست‌یابی به همگانی‌های زبانی (language universals)، یعنی تعمیم‌های قانون‌گونه، مدنظر است. در این رویکرد، از دو نوع همگانی «تلویحی» و همگانی «نامحدود» سخن به میان می‌آید:

براساس همگانی نوع اول، اگر ساخت «الف» در زبانی یافت شود، آن‌گاه می‌توان انتظار داشت ساخت «ب» نیز در همان زبان یافت شود. همگانی نوع دوم به ویژگی‌هایی اشاره دارد که در همه زبان‌های جهان یافت می‌شوند و هیچ زبانی نیست که این ویژگی‌ها را نداشته باشد (ibid.: 28-29).

رویکرد تعمیم‌گرا یا همان رده‌شناسی جزء‌گرا دیدگاه حاکم و غالب در رده‌شناسی امروز شده است و در این زمینه آثار بی‌شماری پدید آمده است. مقایسه بین‌زبانی "ترتیب واژه‌ها" (یا همان اصطلاح سنتی و آشنای "ترتیب ارکان اصلی جمله" هم یکی از همین ساخت‌هایی است که در این سال‌ها کاوش شده‌اند (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۶).

گرینبرگ (Greenberg 1966)، با ارائه یافته‌های تجربی خود درباره گروه بزرگی از زبان‌ها، رده‌شناسی آرایش واژگان را مهم‌ترین دغدغه پژوهش‌های زبانی دانست و مطالعات در این زمینه را آغاز کرد. او نتایج مشاهدات خود را به صورت ۴۵ همگانی بیان کرد. سپس لمان (Lehmann 1973) کاشف ایده «فعل عامل سازمان‌دهنده الگوی آرایش واژگان» شناخته شد. او نخستین کسی بود که میان زبان‌های فعل‌پایانی (ov) و زبان‌های فعل‌آغازی (vo) تفاوت قائل شد. با این کار، با فرض «ov» بودن یک زبان، می‌توان پیش‌بینی کرد که در این زبان عناصر اسمی صفات، اضافه، و اصطلاحات موصولی در طرف چپ اسم و با فرض «vo» بودن زبان، عناصر در طرف راست اسم قرار می‌گیرند. ونمان (Vennemann 1974)، به پیروی از لمان، زبان‌ها را فعل‌پایانی و فعل‌آغازی دانست و بر آن بود که تمامی قواعد واژه‌آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند. وی براساس عبارات تلویحی گرینبرگ نظریه هسته-وابسته (head-dependent theory) را مطرح کرد. در واقع وی ترتیب واژه گرینبرگی را به زبان‌های هاکینز وابسته - هسته درمقابل هسته - وابسته تقسیم کرد. هاکینز (Hawkins 1983) می‌کوشد بین اصول چندگانه گرینبرگ (دارای اعتبار تجربی) و اصول ساده لمان و ونمان (فاقد اعتبار تجربی) تعادلی ایجاد کند. به‌همین روی از داده‌های گرینبرگ استفاده نکرد و نمونه‌ای ۳۳۶ تایی از زبان‌ها را برای بررسی انتخاب کرد؛ کاری که لمان و ونمان نکردند. هاکینز هم‌چنین اصل هماهنگی بینامقوله‌ای را برای بررسی دقیق‌تر بسامد زبان‌ها مطرح کرد، اما کامری (Comrie 1989) اصطلاح آرایش سازه‌ها را مطرح کرد و دغدغه اصلی پژوهش را در حوزه آرایش سازه‌ها دانست، نه در آرایش واژگان. از آن‌جاکه این سازه‌ها ممکن است شامل یک یا چند واژه باشند، وی اصطلاح آرایش سازه‌ها را درست‌تر خواند. در نهایت درایر در مقاله خود، براساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵ زبان، برخی از ادعاها درباره آرایش واژگان را پذیرفت و برخی فرضیات پذیرفته‌شده را نیز رد کرد. درایر نظریه سوی انشعاب (branching direction construction) را مطرح کرد. براساس این نظریه، سازه‌های هم‌الگو با فعل مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی یا واژگانی) و سازه‌های هم‌الگو با مفعول مقوله‌های گروهی (انشعابی) هستند. بر این اساس، زبان‌های راست انشعابی (branching right) به

قرار گرفتن مقوله‌های گروهی پس از مقوله‌های غیرگروهی تمایل دارند و زبان‌های چپ انشعابی (left branching) به صورت برعکس دیده می‌شوند (دبیرمقدم ۱۳۹۴: ۱۲۲). درایر (Dryer 1992)، درباره هم‌بستگی بین مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه، در مقاله خود با نام «هم‌بستگی‌های ترتیب واژه گرینبرگی» ("The Greenbergian Word Order Correlations")، از یک سو وجود هم‌بستگی بین ترتیب فعل و مفعول و از سوی دیگر، ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری را مورد بحث قرار داده است. برای اشاره به این جفت‌ها از اصطلاح جفت‌های هم‌بستگی (correlations pair) استفاده کرده و آن‌ها را به این صورت تعریف کرده است: اگر توالی یک جفت عنصر x و y به ترتیب با توالی فعل و مفعول هم‌بستگی نشان دهد، آن‌گاه جفت x و y جفت‌های هم‌بستگی خوانده می‌شوند. در این جفت هم‌بستگی x هم‌الگو با y و y هم‌الگو با x دانسته می‌شود. برای نمونه، از آن‌جاکه زبان‌های «ov» تمایل به پس‌اضافه بودن و زبان‌های «vo» تمایل به پیش‌اضافه بودن دارند، می‌توان گفت که جفت حرف اضافه و گروه اسمی یک جفت هم‌بستگی است و براساس این جفت، حروف اضافه هم‌الگو با فعل x و گروه‌های اسمی هم‌راهان حروف اضافه با مفعول y هم‌الگویند. شایسته ذکر است که درایر در مقاله یادشده ۲۳ جفت هم‌بستگی به دست داده است و برای هر مورد جفت هم‌بستگی یک جزء جدول مستقل ارائه کرده است.

۱. جدول زیر نشان‌دهنده جفت‌های هم‌بستگی است که براساس جدول ۳۹ درایر تنظیم شده است.

جدول ۱. جفت‌های هم‌بستگی

هم‌الگو با فعل	هم‌الگو با مفعول	
فعل	مفعول	۱
فعل	فاعل	۲
حرف اضافه	عبارت اسمی	۳
فعل ربطی	گزاره	۴
فعل خواستن	عبارت فعلی	۵
فعل کمکی زمان - نمود	عبارت فعلی	۶
فعل کمکی منفی	عبارت فعلی	۷
متمم‌ساز	جمله	۸
ادات پرسشی	جمله	۹
پیرو ساز قیدی	جمله	۱۰

هم‌الگو با فعل	هم‌الگو با مفعول	
حرف تعریف	اسم	۱۱
اسم جمع‌ساز	اسم	۱۲
اسم	مضاف‌الیه	۱۳
اسم	بند موصولی	۱۴
صفت	مبنای مقایسه	۱۵
فعل	گروه حرف اضافه‌ای	۱۶
فعل	قید حالت	۱۷

۲. جدول زیر نشان‌دهنده جفت‌های غیرهم‌بستگی است که براساس جدول ۴۰ درایر (Dryer 1992) تنظیم شده است.

جدول ۲. جفت‌های غیرهم‌بستگی

واسته	هسته	
صفت	اسم	۱
صفت اشاره	اسم	۲
قید مقدار	صفت	۳
ادات نفی	فعل	۴
ادات بازنمای نمود/ زمان	فعل	۵

۴. تحلیل داده‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای تحلیل آرایش واژه‌ها در متون سغدی بودایی، سیزده مؤلفه فعلی در این مقاله بررسی شده‌اند. یافته‌ها به شرح ذیل‌اند:

۱.۴ توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای (مؤلفه ۵، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در متن وستتره جاتکه، گروه حرف اضافه‌ای هم پیش از فعل و هم پس‌از آن آمده است. در مجموع ۴۱۷ مورد از توالی فعل و گروه حرف اضافه در پیکره موردبررسی یافت شد. پس از تحلیل، مشخص شد که در صد مورد، گروه حروف اضافه‌ای پس از فعل و در ۳۱۷ مورد دیگر، پیش از فعل آمده است. نتایج در نمودار ۱ نمایش داده شده است و دو مثال از موارد مشاهده‌شده نیز ارائه می‌شود.

- گروه حرف اضافه‌ای و فعل (Pp_V):

1. čnn ywyr βyy ZY 'βt čynt'm'n rtny nyzy.

Pp

V

بیرون شد گوهر چیتامن هفت خورشید خدای از
ترجمه نمونه ۱: از خدای خورشید هفت چراغ چیتامن (شب چراغ) بیرون شد.

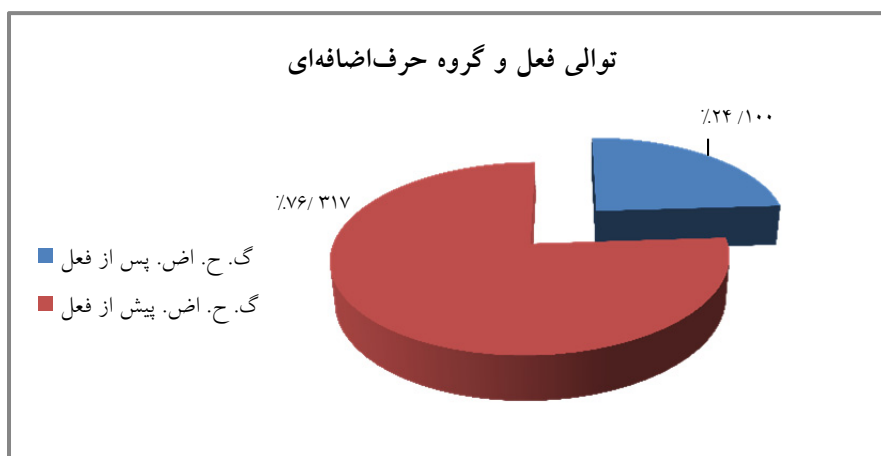
- فعل و گروه حرف اضافه‌ای (V_Pp):

2. rtyšw pts'r Ywn'yδ zyw'rt 'kw' š'ykn s'r.

V

Pp

سوی قصر به بازگشت فوراً در نتیجه او پس.
ترجمه نمونه ۲: پس فوراً به قصر بازگشت.



نمودار ۱. توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای

۲.۴ توالی فعل و قید حالت (مؤلفه ۶، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در این متن قید حالت هم پیش از فعل و هم پس از آن آمده است، اما بیش‌تر گرایش دارد که پیش از فعل بیاید. در مجموع ۱۳۱ مورد از توالی فعل و قید حالت در پیکره مورد بررسی یافت شد. پس از تحلیل، مشخص شد که در ۲۱ مورد، قید حالت پس از فعل و در ۱۱۰ مورد دیگر، پیش از فعل آمده است. نتایج در نمودار ۲ نمایش و دو نمونه نیز ارائه شده است:

- قید حالت و فعل (Adv_V):

3. 'PZY z'ry r't.

Adv V

گریست به زاری و

ترجمه نمونه ۳: و به‌زاری گریست.

- فعل و قید حالت (V_Adv):

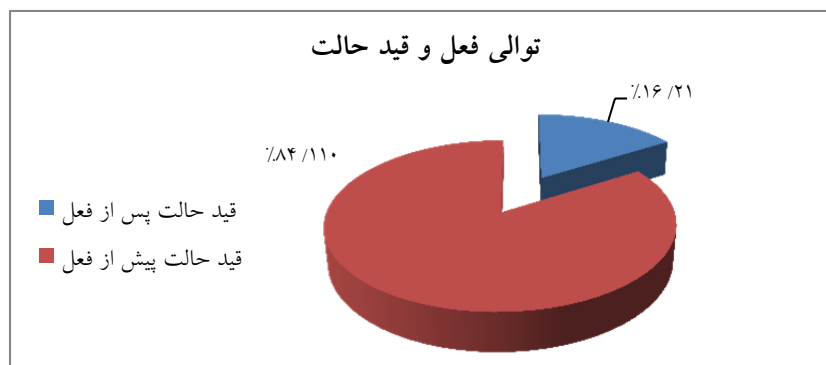
4. rty ZKH wytr'nt pr RβK ptβyw 'kw knδh s'r.

V Adv

سوی شهر به شکوه بسیار با راهی شدند حرف تعرف و

ترجمه نمونه ۴: و با شکوه بسیاری راهی شهر شدند.

از ترکیب حرف اضافه پیش‌آیند pr و موصوف و صفت RβK ptβyw یک گروه حرف اضافه‌ای درست شده که به‌جای قید حالت به‌کار رفته است.



نمودار ۲. توالی فعل و قید حالت

۳.۴ توالی فعل اسنادی و گزاره/ مسند (مؤلفه ۷، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

فعل‌های اسنادی به‌کاررفته در متن از ماده‌های kar_ βw_ x_ əskw_ šaw_ prw'st_ در مجموع ۹۴ مورد رخداد فعل اسنادی و مسند در متن یافت شد. مسند، به‌جز یک مورد، در ۹۳ مورد پیش از فعل اسنادی آمده است. نتیجه در نمودار ۳ به‌نمایش درآمده است و سه نمونه از موارد مشاهده‌شده نیز ارائه می‌شود. درعین‌حال، فعل ربطی nyst که از ترکیب ادات نفی و مضارع سوم شخص مفرد ماده ah_ ساخته شده است، نیز در پیکره مشاهده شد:

- مسند و فعل ربطی (Pred_Cop):

5. rty 'Yw k'dy wYšy 'β'.

Pred Cop

شد شاد بسیار او پس

ترجمه نمونه ۵: پس او بسیار شاد شد.

- فعل ربطی و مسند (Cop_Pred):

6. rty βn z't'tty 'krtY ZKH ''z'tčh βY'n'yk Yr'ymh δ'yh ZY βntY.

Cop

Pred

بنده و کنیز شخص خدای وار آزاد حرف تعریف شده ای فرزندان شما و ترجمه نمونه ۶: ای فرزندان! شخص آزاد و خدای وار شما بنده و کنیز شده است.

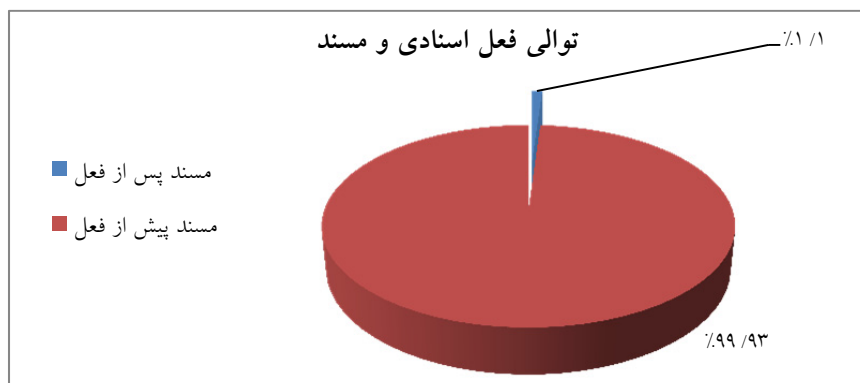
- مسند و فعل ربطی منفی (Pred_NegCop):

7. p'rzy βY' prm βwmh ''δ'k nwš'k nyst.

Pred NegCop

نیست جاودان کسی زمین بر این ای خداوند زیرا

ترجمه نمونه ۷: زیرا که ای خداوند! بر این زمین کسی جاودان نیست.



نمودار ۳. توالی مسند و فعل ربطی

۴.۴ توالی فعل «خواستن» و فعل بند پیرو (مؤلفه ۸، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در متن وسستره جاتکه، برای این مؤلفه موردی یافت نشد.

۵.۴ توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود (مؤلفه ۱۲، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در متن و سستره جاتکه، در مجموع ۱۸۶ بار افعال کمکی Kwn- (انجام‌دادن، کردن)، wn (انجام‌دادن، کردن)، δ'r'm (داشتن)، βw- (بودن، شدن)، skw- (ماندن، بودن)، x- (بودن)، و əkr- (شدن) به کار رفته‌اند که همواره (صددرصد موارد) این افعال کمکی پس از فعل اصلی آمده‌اند:

- فعل اصلی و فعل کمکی (V- AV):

8. pr'w KZNH 'PZY 'py'rh ywβnw wytw δ'r'm
V AV

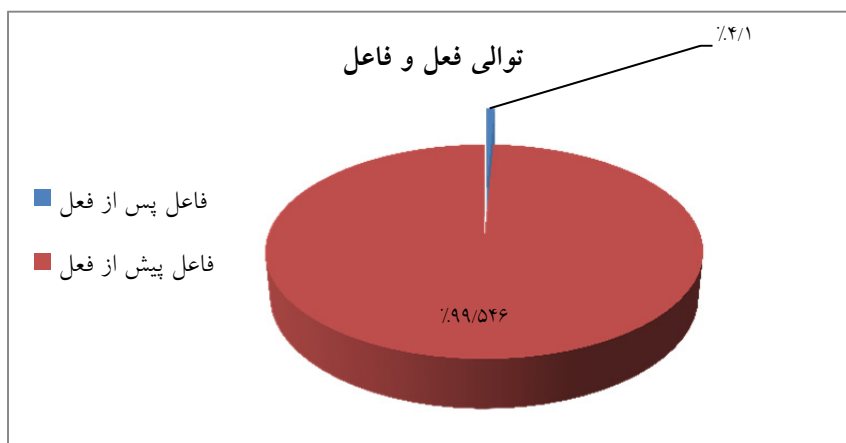
ام دیده خواب دیشب و چنین درباره آن

ترجمه نمونه ۸: و درباره آن دیشب چنین خواب دیده‌ام.

Wytw δ'r'm (فعل ماضی نقلی متعدی) است که از بن ماضی Wytw_ به همراه صرف مضارع فعل کمکی δ'r ساخته شده است.

۶.۴ توالی فعل و فاعل (مؤلفه ۱۶، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در متن و سستره جاتکه، ۵۵۰ مورد کاربرد فعل و فاعل دیده شد که در ۵۴۶ مورد، فاعل پیش از فعل آمده است و تنها در چهار مورد فاعل پس از فعل آمده است. نتیجه در نمودار ۴ قابل مشاهده است.



نمودار ۴. توالی فعل و فاعل

- فاعل و فعل (Sub_V):

9. rty 'yw ywt'w KZNH 'prs'...

Sub V

پرسید چنین شاه حرف تعریف پس

ترجمه نمونه ۹: پس شاه چنین پرسید.

- فعل و فاعل (V_Sub):

10. 'kδry 'škrty 'skwn 'yw ykšy pr'mn 'yw δywδ't 'pw z'ry.

V Sub

بی‌رحم دیوصفت حرف تعریف برهن جن سرشت حرف تعریف همراه می‌برد اکنون
ترجمه نمونه ۱۰: اکنون برهنی جن سرشت و دیوصفت و بی‌رحم شما را
همراه می‌برد.

۷.۴ توالی وند زمان- نمود و ستاک فعل (مؤلفه ۱۸، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در پیکره پژوهش، در ۵۹۴ مورد یافت‌شده شناسه‌ها، که نمایان‌گر زمان- نمود در فعل‌اند، همواره پس از ستاک آمده‌اند:

- ستاک فعل و وند زمان- نمود (Stem_Encl):

11. 'krt = 'ym.

Stem = Encl 1s.

ترجمه نمونه ۱۱: شدم.

12. δβr =ty

Stem =Encl 3pl.

ترجمه نمونه ۱۲: بخشید.

۸.۴ توالی فعل اصلی و فعل (فعل‌های) کمکی در مفهوم «توانستن»

(مؤلفه ۲۰، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در واژگان زبان سغدی فعلی با مفهوم «توانستن» وجود ندارد. برای جبران این کمبود واژگانی از ساختار توانشی استفاده می‌شود. ساختار توانشی برای افعال لازم

و متعدی به این دو صورت ساخته می‌شود: ۱. فعل متعدی: بن ماضی فعل + صرف فعل کمکی $wn_ , kun_$ به معنای «انجام دادن، کردن» که این ساختار معلوم است؛ ۲. فعل لازم/ مجهول: بن ماضی + صرف فعل کمکی $\beta w_$ به معنای «شدن» که این ساختار مجهول است. در متن وستتره جاتکه، نُه بار کاربرد ساختار توانشی دیده می‌شود و در همه موارد (صددرصد) فعل کمکی «توانستن» پیش از فعل اصلی آمده است:

- فعل اصلی و فعل کمکی (V_AV):

13. 'yw swδ''šn ZKw δβ'r δβ'rt kwn'...
V AV

توانست بدهد هدیه‌اش را حرف تعریف سوداشن حرف تعریف

ترجمه نمونه ۱۳: سوداشن توانست هدیه‌اش را بدهد.

۹.۴ توالی مفعول و فعل (مفعول پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟) (مؤلفه ۲۳،

دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در مجموع ۵۷۲ مورد از توالی فعل و مفعول در پیکره مورد بررسی یافت شد. پس از تحلیل، مشخص شد که در ۵۶۸ مورد مفعول، پیش از فعل و تنها در چهار مورد پس از فعل آمده است. نتایج در نمودار ۵ نمایش داده شده است.

- مفعول و فعل (O-V):

14. rtyšy prβ'yrt.
O V

بیان کن آن را پس

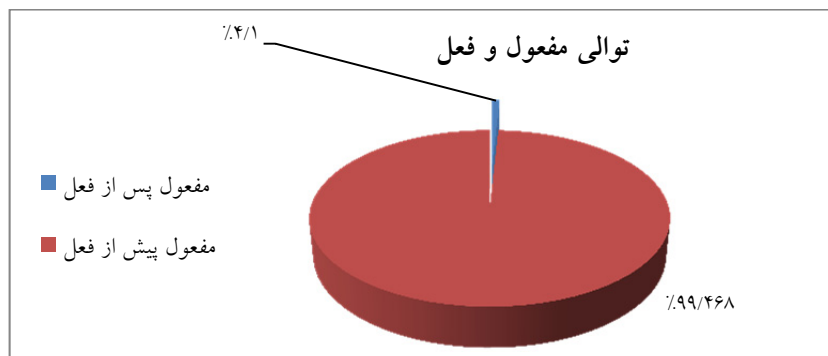
ترجمه نمونه ۱۴: پس آن را بیان کن.

- فعل و مفعول (V_O):

15. rty my 'yw 'βy' ywt'w yrmy'n wytw δ'rt 'kw tntrk yrw s'r.
V O

سوی کوه دندرک به فرستاده است تنبیه شاه پدر حرف تعریف مرا و

ترجمه نمونه ۱۵: و پدرم شاه شیوی مرا به تنبیه به کوه دندرک فرستاده است.



نمودار ۵. توالی مفعول و فعل

۱۰.۴ توالی وند منفی ساز و ستاک فعلی (مؤلفه ۲۴، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در متن وسنتره جاتکه برای این مؤلفه مصداقی یافت نشد.

۱۱.۴ توالی ادات نفی و فعل (مؤلفه ۲۵، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در متن وسنتره جاتکه، ادات نفی ۹۳ بار به کار رفته و همواره (صددرصد موارد) پیش از فعل آمده‌اند. ادات نفی در سغدی ۱ است:

- ادات نفی و فعل (Neg_V):

16. rty m'vw 'nyw δβ'r l' ywt.

Neg V

نیاز نیست هدیه دیگر مارا و

ترجمه نمونه ۱۶: و ما را به هدیه دیگر نیازی نیست.

17. ...pyδ'n ywt'w l' βyš' k'm.

ستاک فعلی وند منفی ساز

ادات آینده خواهی بخشید نه شاه پیلان

ترجمه نمونه ۱۷: شاه پیلان را نخواهی بخشید.

۱۲.۴ توالی فعل کمکی منفی و فعل (مؤلفه ۲۶، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

برای این مؤلفه مصداقی یافت نشد.

۱۳.۴ توالی ادات زمان- نمود با فعل (مؤلفه ۲۸، دبیرمقدم ۱۳۹۲)

در متن و ستره جاتکه سه ادات فعلی skwn، که بازنمای نمود استمرار، و k'm، که نمایان‌گر نمود آینده است، و aštn، که استمراری‌ساز است، به کار رفته است. در پیکره متن، در مجموع ۹۶ مورد ادات نمود یافت شد که در همه موارد (صددرصد) این ادات پس از فعل آمده‌اند:

ادات زمان- نمود و فعل (T/APrtc-V):

18. rty WR kws kws βγ'n'yk čntn βwδδh swys'y 'skwn.

V T/APrtc

ادات استمراری می‌سوخت با بوی خوش صندل خدای وار به هر گوشه در آن جا و ترجمه نمونه ۱۸: و در آن جا صندل خدای وار به هر گوشه می‌سوخت.

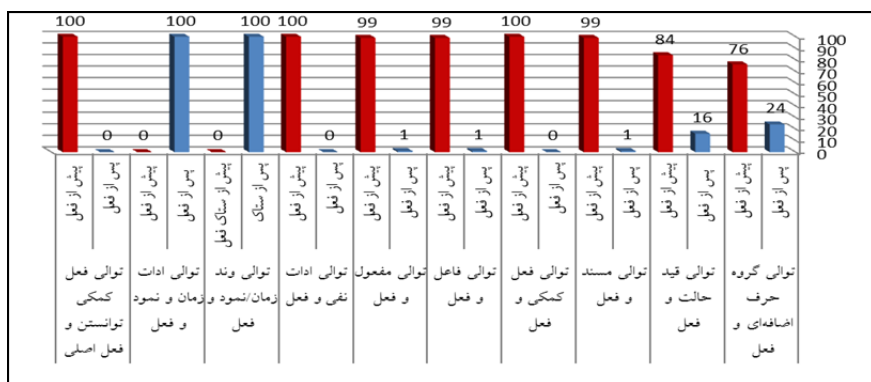
19. rty 'yw z'tk pnywnt'k βwt k'm.

V T/APrt

خواهد بود فرخنده پسر آن و

ترجمه نمونه ۱۹: و آن پسر فرخنده خواهد بود.

به این ترتیب، پس از بررسی سبزه مؤلفه وابسته به فعل مشخص شد که به‌غیر از سه مؤلفه شامل «توالی فعل خواستن و بند پیرو»، «توالی وند منفی ساز و ستاک فعلی»، و «توالی فعل کمکی منفی و فعل»، که نمونه‌ای از آن‌ها در پیکره مورد بررسی مشاهده نشد، سایر مؤلفه‌ها در متن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در نمودار ۶، درصد رخداد عناصر در هر مؤلفه در جایگاه پیش یا پس از فعل نشان داده شده است.



نمودار ۶. درصد رخداد عناصر مؤلفه‌های مورد بررسی در جایگاه پیش یا پس از فعل

۵. نتیجه‌گیری

متن *وستتره جاتکه* یا *داستان تولد بودا* روایتی سغدی از داستان تولد سوداشن و شرح تلاش‌ها و بخشندگی‌های وی برای رسیدن به مقام بوداست که به فرمان پدرش، شاه شیوی، به تبعید وی به کوه دندرک منجر شد. *وستتره جاتکه* به زبان سغدی بودایی نوشته شده است و از آن‌جاکه طولانی‌ترین متن بازمانده سغدی است و در مقایسه با دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و نیز از آن‌جاکه به نظر می‌رسد بیش‌تر تألیفی بومی یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال این‌که ترجمه باشد کم‌تر است، برای پژوهش رده‌شناسی زبان سغدی بودایی انتخاب شد. در این پژوهش، رده‌شناسی آرایش سازه متن برپایه نظریه هسته و وابسته (HDT)، نظریه جهت انشعاب (BDT) (Dryer 1992)، و الگوی بررسی آرایش سازه دبیرمقدم (۱۳۹۲) انجام گرفته است. برپایه نظریه هسته و وابسته (HDT)، سازه هم‌الگو با فعل «هسته» و سازه هم‌الگو با مفعول «وابسته» خوانده می‌شود. پس در زبان‌های «vo» آرایش سازه‌ای هسته - وابسته و در زبان‌های «ov» آرایش سازه‌ای وابسته - هسته‌ای حاکم است و نیز بر مبنای نظریه جهت انشعاب (BDT)، برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی. برای بررسی آرایش سازه‌های متن *وستتره جاتکه* تنها سیزده مؤلفه فعلی از میان ۲۸ مؤلفه درایر مبنا قرار گرفت. از این میان، سه مؤلفه «توالی فعل خواستن و بند پیرو»، «توالی وند منفی ساز و ستاک فعلی»، و «توالی فعل کمکی منفی و فعل» در پیکره مورد بررسی رخدادی نداشتند و ترتیب عناصر در ده مؤلفه تحلیل شدند. همان‌طور که در نمودار ۶ نیز نشان داده شده است، در متن *وستتره جاتکه*، گروه حرف اضافه‌ای در صد مورد (۲۴ درصد) پس از فعل و در ۳۱۷ مورد دیگر (۷۶ درصد) پیش از فعل آمده است. از ۱۳۱ قید حالت موجود در پیکره در ۱۲۰ مورد (۸۴ درصد) قید حالت پیش از فعل و در ۲۱ مورد (۱۶ درصد) پس از فعل رخداد داشته است. بررسی مسند/ گزاره به‌جز یک مورد (۱ درصد) همواره پیش از فعل اسنادی (۹۹ درصد) آمده است. افعال کمکی همواره پس از فعل اصلی آمده‌اند. فاعل و مفعول، به‌جز در چهار مورد (۱ درصد)، در بقیه موارد پیش از فعل (۹۹ درصد) آمده است. فعل کمکی با مفهوم «توانستن» همواره پیش از فعل اصلی آمده است. ادات نفی همواره پیش از فعل آمده‌اند. وند زمان - نمود، که در قالب شناسه‌های فعل تحلیل شده‌اند، و ادات زمان - نمود همواره یعنی در صد درصد موارد پس از فعل قرار گرفته‌اند. به این ترتیب، می‌توان گفت که زبان سغدی بودایی بر اساس بررسی رده‌شناختی متن مذکور از دسته زبان‌های «ov» است.

کتاب‌نامه

- الهی، مستانه (۱۳۸۹)، «کاربرد پس‌وندها در زبان سغدی و سنجش آن با زبان یغناپی»، پیام باستان، دوره ۷، ش ۱۳.
- تفکری رضایی، شجاع عباس امیدی (۱۳۹۳)، «پس‌وندهای فعلی در گویش لکی: ساخت ارگاتیو، مطابقت فاعلی یا ضمیر پیوسته؟»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۴، ش ۱.
- ثمره، یدالله (۱۳۶۹)، «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی»، زبان‌شناسی، س ۷، ش ۱.
- جلالیان چالشتری، محمدحسن (۱۳۹۴)، «-rēž و -nam دو فعل غیرشخصی در زبان سغدی»، زبان‌شناخت، س ۶، ش ۱.
- جلالیان چالشتری، محمدحسن (۱۳۹۵)، «فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی»، جستارهای زبانی، پیاپی ۳۱.
- حاجیانی، فرخ (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی و تاریخی ساخت فعل ارگاتیو در گویش‌های اردکانی، دشتی، دشتکی، کلیمیان یزد و لاری»، آموزش مهارت‌های زبان، دوره ۱، ش ۱.
- حامدی شیروان، زهرا، شهلا شریفی، و محمود الیاسی (۱۳۹۵)، «آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی»، فصل‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۴، ش ۱۱.
- خبازی، لیلی (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر متقابل زبان سغدی و ترکی بر یک‌دیگر در یک سند ترکی - سغدی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، س ۵۲، پیاپی ۲۱۱.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، رده‌شناسی زبان، تهران: امیرکبیر.
- رضایی، والی و محمد خیرخواه (۱۳۹۴)، «رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمدی»، فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران، ش ۱۰.
- زرشناس، زهره (۱۳۹۰)، دست‌نامه سغدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۹۴)، «رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، س ۵، ش ۹.
- قادری، تیمور (۱۳۷۵)، «جملات ناهم‌پایه در زبان سغدی»، فرهنگ، ش ۱۷.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۴)، فرهنگ سغدی، تهران: فرهنگیان.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳)، روایتی از تولد بودا؛ متن سغدی و سنتره جاتکه، تهران: اسطوره.
- کریمی، یادگار (۱۳۹۱)، «مطابقت در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه بست و وند الف»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره ۴، ش ۷.
- کریمی، یادگار و معصومه هاشمی (۱۳۹۱)، «ساخت کنایی در گویش دشتی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، دوره ۲، ش ۴.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۷)، «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، زبان‌شناسی، دوره ۵، ش ۲.

هدایت، ندا (۱۳۹۵)، «بررسی مؤلفه‌های توالی واژه و هم‌بستگی آن‌ها با توالی مفعول/ فعل در گویش تاتی گیفان، براساس دیدگاه رده‌شناختی درایر»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، دوره ۱، ش ۲. یوسفیان، پاکزاد (۱۳۸۳)، *توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی*، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- Benveniste, Émile (ed.) (1946), *Vesantia Jātaka; Text Sogdien*, Traduit et Commenté.
- Benveniste, Émile (1952), "La Construction Passive du Parfait Transif", *Bulletin de la Société de Linguistique de Paris*, vol. 48.
- Brunner, C. J. (1977), *A Syntax of Western Middle Iranian (no. 3)*, New York: Caravan Books.
- Bubenik, V. (1989), "An Interpretation of Split Ergativity in Indo-Iranian Languages", *Diachronica*, vol. 6, no. 2.
- Cardona, G. (1970), "The Indo-Iranian Construction Mana (Mama) Krtam", *Language*, vol. 46, no. 1.
- Dabir-Moghaddam, M. (2006), "Internal and External Forces in Typology: Evidence from Iranian Languages", *Journal of Universal Language*, vol. 7, no. 1.
- Dryer, M. S. (1992), "The Greenbergian Word Order Correlations", *Language*, vol. 68, no. 1.
- Dryer, M. S. (1997), "On The Six-Way Word Order Typology", *Studies in Language*, vol. 21.
- Elahi, M. (2010), "Brief Survey of Grammatical Feature in Khawrazmian Language and Compared with Soghdian Language", *Payam-E Bastanshenas*, vol. 7, no. 13.
- Friedrich, P. (1975), "Proto-Indo-European Syntax: The Order of Meaningful Elements", *Journal of Indo-European Studies*, no. 1.
- Geiger, W. (1893), "Die Passivconstruction des Präteritums Transitiver Verba im Iranischen", in: *Festgruß an Rudolf Roth*, Ernst Kuhn (ed.), Stuttgart: Kohlhammer.
- Greenberg, J. H. (1974), *Language Typology: A Historical and Analytic Overview*, The Hague, Paris: Mouton.
- Haig, G. L. (2008), *Alignment Change in Iranian Languages: A Construction Grammar Approach*, vol. 37, Walter de Gruyter.
- Hajiani, F. (2019), "An Etymological Exploration and Dissection of Sogdian Loanwords in Modern Persian", *International Journal of Language Studies*, vol. 13, no. 3.
- Hale, M. (1988), "Old Persian Word Order", *Indo-Iranian Journal*, vol. 31, no. 1.
- Heston, W. L. (1977), *Selected Problems in Fifth to Tenth-Century Iranian Syntax*, Unpublished Doctoral Dissertation, Pennsylvania: University of Pennsylvania.
- Jügel, T. (2012), *Die Entwicklung der Ergativkonstruktion im Alt-und Mitteliranischen—Eine Korpusbasierte Untersuchung zu Kasus, Kongruenz und Satzbau [The Development of the Ergative Construction in Old and Middle Iranian: A Corpus-Based Approach]*, Doctoral Dissertation, Frankfurt: Goethe University Frankfurt.
- Kent, R. G. (1950), *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, American Oriental Society.
- Noda, K. (1983), "Ergativity in Middle Persian", *GENGO KENKYU; Journal of the Linguistic Society of Japan*, vol. 84.
- Payne, J. R. (1979), "Transitivity and Intransitivity in the Iranian Languages of the USSR", in: *The Elements: A Parasession on Linguistic Units and Levels Including Papers from the Conference on Non-Slavic Languages of the USSR*.